

## شرایط و موانع استفاده از قرآن مجید

امام سید ابوالحسن علی ندوی رحمته

مترجم: محمد قاسم قاسمی

قرآن مجید تمام بنی نوع بشر را مورد خطاب قرار می دهد اما همانطور که قطعه های مختلف زمین به اعتبار صلاحیت و نیازمندیشان به آب و استفاده از آن متفاوت می باشند یا همانطور که تأثیر بهترین غذا در معده های مختلف متفاوت است قرآن مجید نیز گرچه بطور یکسان بشر را خطاب می کند اما صلاحیت پذیرش و استفاده و بهره گیری از آن در افراد متفاوت است.

آری، چیز یکی است ولی ظروف انسانی و استعداد های بشری با یکدیگر متفاوتند. الله تعالی خودش در قرآن مجید تفاوت این اثر و نتایج را بیان کرده و درباره دو نتیجه متضاد قرآن مجید بر دل ها چنین فرموده است:

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ۸۲].

«و ما قرآنی را نازل می کنیم که برای مؤمنان سراسر شفا و رحمت است و به ستمگران چیزی به جز خسارتشان نمی افزاید.»

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي هَدَىٰ ءَامَنُوا هُدًىٰ وَشَفَاءً ۗ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۴].

«بگو: آن برای مؤمنان، هدایت و شفا است. و برای بی ایمان هایی که گوش هایشان سنگینی دارد سبب کوری و گمراهی است. آنان از دور صدا زده می شوند.»

﴿وَإِذَا مَا أَنزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هِدَايَةً ۖ إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۴-۱۲۵].

«وقتی که سوره ای نازل می شود برخی از آنها می گویند: آیه نازل شده به ایمان چه کسی افزود؟ ایمان مؤمنان زیاد می شود و آنها خرسندند. اما کسانی که دل هایشان بیمار است به خبثت و پلیدی شان اضافه می شود و آنان در حالی که کافر هستند خواهند مرد.»

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ [البقرة: ٢٦].

«بدون تردید الله از آوردن مثال پشه یا چیزی کمتر از آن شرمند نمی‌شود کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که حق از جانب پروردگارشان همین است. و کافران می‌گویند: منظور خدا از آوردن این مثال چیست؟ به وسیله آن بسیاری از گمراه و بسیاری را هدایت می‌کند. البته کسی غیر از نافرمان‌ها را گمراه نمی‌کند».

در بعضی آیات اثر متفاوت قرآن را بر مؤمنان و کفار جداگانه بیان کرده است. مثلاً درباره مؤمنان می‌فرماید:

﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۚ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ٢-١].

«قرآن برای پرهیزگاران هدایت است. همان کسانی که به غیب باور دارند و به نماز پایبندی می‌کنند و مقداری از رزق داده ما را خرج می‌کنند».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ٢].

«بعضی از ویژگی‌های مؤمنان این است که هنگامی که در حضورشان یادی از الله می‌شود لرزه به دل‌هایشان می‌افتد و وقتی که آیات الهی بر آنها خوانده می‌شود به ایمانشان افزوده می‌شود و همان‌ها هستند که اعتماد کامل بر پروردگارشان دارند».

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدًى لِّلَّذِينَ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ يَشَاءُ ۖ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ [الزمر: ٢٣].

«الله بهترین کلامی را که آیه‌هایش مشابه همدیگرند و بارها تکرار می‌شوند نازل کرده است. موی پوست کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند از آن، راست می‌شود. آنگاه جسم و جانشان نرم و به یاد الله راغب می‌شوند. این هدایت خداوندی است هر که را بخواهد با آن هدایت می‌دهد و هر که را خدا گمراه کند راهنمایی نخواهد داشت».

درباره کفار می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا﴾ [الحج: ٧٢].

«و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود در چهره‌های کافران بنگرید خشم و غضب اندرونی‌شان را خواهی دید. آنها می‌خواهند بر کسانی که آیات مان را می‌خوانند حمله کنند».

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ [الزمر: ٤٥].

«و هنگامی که تنها از الله سخن به میان می‌آید دل کسانی که آخرت را باور ندارند می‌گیرد».

﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۷].

«و وقتی که سوره‌ای فرودرستاده می‌شود برخی از آنان به برخی دیگر نگاه می‌کنند و می‌پرسند: آیا کسی شما را دارد می‌بیند؟ آنگاه برمی‌گردند، الله دل‌هایشان را برگردانیده است. زیرا که آنان ملتی نادان هستند».

اما قرآن مجید بر این اکتفا نکرده که فقط اثرپذیری و بهره‌گیری مؤمنان و عدم اثرپذیری و گمراهی کافران را بیان کند بلکه در کنار آن، از اعتقادات و اخلاق و رفتار و کردار هر دو گروه سخن گفته و یادآور شده است که چگونه این اوصاف متقابل در بروز نتایج دخالت دارند.

ما می‌توانیم در پرتو این اوصاف، شرایط استفاده از قرآن مجید و موانعی آن را مشخص نماییم، و بفهمیم که چه نوع اخلاق و صفات و چه نوع طرز تفکر و تربیت با قرآن مجید مناسبت دارند و در بهره‌گیری و استفاده از مؤثراند، و چه نوع آنها برای استفاده از قرآن مجید حجاب و مانع می‌باشند و با آن منافات دارند. و باعث می‌گردند تا انسان از تأثیرات اصلاحی و انقلابی قرآن محروم و بی‌بهره گردد، ما در صفحات آینده در همین زمینه به بحث می‌پردازیم.

### موانع استفاده از قرآن مجید

قرآن مجید در آنجا که از محرومیت کفار بحث می‌کند، درباره هدایت و استفاده از قرآن مجید نیز عواملی را بیان می‌نماید. بدون تردید این عوامل در راه ایجاد انقلاب ایمانی و تحول معنوی و اصلاح اعتقادی موانع سختی به حساب می‌آیند. گذشته از کفار اگر این عوامل در خود مسلمانان نیز یافته شوند باعث نوعی محرومیت می‌گردند.

### ۱- تکبر

بزرگترین سبب محرومی از برکات تعالیم انبیای کرام و پیروی آنان تکبر و عزت نفس کاذبانه و احساسات جاهلی می‌باشد. گاهی اینگونه تکبر مستقیماً مانع پذیرش حق می‌گردد زیرا انسان چنین می‌پندارد که در صورت پذیرش حق باید از مقام و قدرت دست بکشد، از موقعیت اجتماعی‌اش صرف نظر نماید و رسوم و عادات جاهلی را ترک کند. و از خیلی مزایا محروم شود به جای زندگی خودسرانه و آزاد باید یک زندگی قانونمند اختیار نماید. آری، بر بسیاری از مردمان تحمل چنین تحولی سخت و دشوار معلوم می‌شود. از این رو تکبرشان آنها را به انکار قرآن مجید وادار می‌کند.

آیات ذیل در همین خصوص بحث می‌کند.

﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعُغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾﴾ [الأعراف: ١٤٦].

«کسانی را که به ناحق در زمین تکبر می‌ورزند از آیاتم برخوردار نخواهم گردانید. اگر اینها هر نشانه‌ای را ببینند باز هم ایمان نمی‌آورند و اگر راه راستی را ببینند به عنوان راه برای خود بر نمی‌گزینند و اگر راه گمراهی را ببینند به عنوان راه بر می‌گزینند. برای اینکه آنها آیه‌های ما را تکذیب کردند و از آنها غفلت ورزیدند».

﴿وَيُلِّ لِكُلِّ أَقَاكٍ أٰثِمِرٍ ۚ يَسْمَعُ آٰيَاتِ اللّٰهِ تُتَلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَاَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝۸﴾ [الجنائیه: ۷-۸].

«افسوس بر هر دروغگوی گنهکاری! آیه‌های الهی را که بر او خوانده می‌شود می‌شنود و اما بر ضد و غرورش اصرار می‌ورزد گویا که نشنیده است. به چنین شخصی مژده مبتلا شدن به عذابی دردناک را بده».

﴿ثُمَّ اَدْبَرَ وَاَسْتَكْبَرَ ۚ ۲۳ فَقَالَ اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ يُؤْتٰرُ ۚ ۲۴ اِنْ هٰذَا اِلَّا قَوْلُ الْبَشْرِ ۝۲۵﴾ [المدثر: ۲۳-۲۵].

«سپس به پشت رفت مغرور شد. پس گفت: (قرآن) چیزی جز سحر و جادوی روایت شده از قدیمیان نیست. این کلام خدا نیست، کلام بشر است».

گاهی این طور می‌شود که عده‌ای از کفار بنا بر وضعیت ظاهری پیامبران و فقر آنان خود را بالاتر از این تصور می‌کنند که از آنان پیروی نمایند لذا در مقابل تعلیمات و پیام‌های آنان راه انکار و استکبار را پیش گیرند مانند فرعون که می‌گفت:

﴿اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِيْنٌ وَّلَا يَكَادُ يُبِيْنُ ۚ ۵۲ فَلَوْلَا اَلْقِي عَلَيْهِ اَسُوْرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقَاتِرِيْنَ ۝۵۳﴾ [الزخرف: ۵۲-۵۳].

«من از کسی که عزت و قدرت بیانی ندارد به مراتب بهترم؛ پس چرا النگوهای طلایی به دستش نیست یا فرشتگان دسته‌جمعی همراهش نیامده‌اند؟».

و کفار قریش می‌گفتند:

﴿وَقَالُوْا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْءَانُ عَلٰى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيٰتِيْنَ عَظِيْمٍ ۝۳۱﴾ [الزخرف: ۳۱].

«و گفتند. چرا این قرآن بر مردی بزرگ از اهالی دو شهر مکه و طائف فرورستاده نشده است؟».

گاهی صرفاً بشر بودن پیامبران را برای خود عذر قرار می‌دادند.

﴿ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَعَالُوْا اَبْشَرٌ يَّهْدُوْنَنَا فَكَفَرُوْا وَتَوَلَّوْا وَاَسْتَعْنٰى اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ

﴿٦﴾ [التغابن: ٦].

«پیغمبران نشانه‌های روشنی را نزد آنان می‌آوردند. آنها می‌گفتند: آیا بشری به ما راه می‌نماید؟ آنها کفر ورزیدند و روی برگردانیدند و خدا بی‌نیاز شد و خداوند بی‌نیاز ستوده است.»

﴿وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۷].

«و می‌گویند: این، چگونه پیغمبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای همراه او نازل نشده است تا وظیفه پیغمبری را انجام دهد؟».

گاهی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و نسبی پیروان پیامبر را برای خود عذر قرار می‌دادند.  
﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَكْنَا إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا تَرَكْنَا إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِأَدَى الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْتَظِمُ كَذِبِينَ﴾ [هود: ۲۷].

«سرداران کافر قومش گفتند: به نظر ما تو بشری مانند ما هستی و پیروانت را در نگاه اول می‌بینیم که از طبقات پایین جامعه هستند. و به نظر ما شما هیچ برتری بر ما ندارید بلکه شما از نظر ما دروغگو هستید.»

گاهی صرفاً به این دلیل از پذیرش حق امتناع می‌کردند که درباره خودشان بر این باور بودند آنها چون از طبقات بالای جامعه هستند پس باید چیز خوب نخست به سراغ آنها برود، پس هر چیزی که نخست به آنها نرسد در آن خیر و خوبی وجود ندارد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِء فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُ قَدِيمٌ﴾ [الأحقاف: ۱۱].

«کافران به مؤمنان می‌گویند: اگر دین، خیر و خوبی می‌داشت اینان پیشتر از ما به آن روی نمی‌آوردند. و وقتی که به آن رهیافت نشوند خواهند گفت: این همان دروغ قدیمی است.»

آری، همین عوامل سبب شد که گروه مرفه آبادی‌ها و در تکذیب انبیا و مخالفت با آنان از دیگران سبقت می‌گرفت:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ﴾ [سبأ: ۳۴].

«هرگاه ترساننده‌ای به منطقه‌ای فرستادیم خوشگذران‌هایش گفتند: ما به چیزی که شما با آن فرستاده شده‌اید معتقد نیستیم.»

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا﴾ [الأنعام: ۱۲۳].

«و اینگونه ما در هر منطقه‌ای مجرم‌های بزرگی قرار دادیم تا در آنجا به مکر و فریب مشغول شوند.»

به هر حال تکبر به هر دلیلی که باشد و به هر مشکلی که ظهور کند مانع استفاده کامل از قرآن می‌گردد. بنابراین، شرط اساسی برای پذیرش تعالیم قرآن و اجرای احکام قرآن در زندگی و قبول کردن رهنمودهای پیامبر ﷺ تواضع و فروتنی و تسلیم شدن در برابر حق می‌باشد.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«قسم به پروردگارت! تا وقتی که مردم در منازعات خود شما را حکم و داور قرار ندهند و رأی صادره شما را بی‌هیچ آزرده‌گی خاطر بلکه با خوشی نپذیرند مؤمن بشمار نخواهند آمد».

## ۲- مجادله

بحث و جدال کردن بدون دلیل درباره قرآن مجید، و رایزنی و حجت بازی در مقابل آن انسان را از هدایت قرآنی محروم می‌سازد و نشانگر نوعی تکبر پنهان در درون سینه‌ها است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتْلُوهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَلِيغِيهِ فَاَسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [المؤمن: ۵۶].

«کسانی که بی‌آنکه دلیلی داشته باشند در آیه‌های خدا به بحث و جدل می‌پردازند در دل‌هایشان کبر وجود دارد. آنان هرگز به هدف خود نخواهند رسید. به خداوند پناه ببر. همانا او شنوا و بیناست».

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٌ﴾ [سبأ: ۵].

«برای کسانی که برای شکست ما در آیه‌هایمان می‌کوشند عذاب دردناکی به عنوان سزا داده خواهد شد».

﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتْلُوهُمْ كَبْرٌ مَّقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُّتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ﴾ [المؤمن: ۳۵].

«بحث و جدل کسانی که بی‌هیچ دلیلی در آیه‌های الهی مجادله می‌کنند از نظر خدا و مؤمنان بسیار ناپسند است و اینگونه خدا بر قلب هر متکبر سرکش مهر می‌زند».

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾ [الأنعام:

[۱۱۲].

«و همچنین انسان‌ها و جن‌های شیطان صفتی را رو در روی هر پیغمبری قرار دادیم. آنها جهت فریب همدیگر سخنان فریبنده‌ای به گوش یکدیگر می‌خوانند».

## ۳- دنیاپرستی و انکار آخرت

از میان عقاید کفریه عقیده انکار آخرت طوری است که انسان را از تأثیر قرآن مجید محروم می‌سازد. دلیلش این است که اساس پندهای قرآن و ترغیب و ترهیب آن بر اعتقاد به آخرت استوار است. قرآن مجید از عواقب اخروی می‌ترساند، به ثواب و نعمت‌های آخرت امیدوار می‌سازد، معلومات لازم را در زمینه سفر به آخرت مهیا می‌نماید و درباره منازل آخرت، اطلاعات دقیق و راهنمایی‌های لازم در اختیار انسان قرار می‌دهید به همین دلیل امیدواران آخرت در هیچ حالی نمی‌توانند از آن بی‌نیاز بشوند.

چنانکه می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [الأنعام: ۹۲].

«و کسانی که به آخرت ایمان دارند به این کتاب نیز ایمان دارند و آنها بر نمازهایشان مداومت می‌کنند.»

«اما آنان که منکر آخرت‌اند یا از نظر اعتقاد منکر نیستند ولی عملاً مادیگری و دنیاپرستی بر آنان غلبه کرده است تأثیر قرآن بر چنین کسانی یا هیچ یا خیلی اندک است.»

﴿وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ۗ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَحَدَّهُ وَوَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾ [الإسراء: ۴۵-۴۶].

«هنگامی که قرآن می‌خوانی بین تو و بین کسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی را حایل می‌گردانیم و برای اینکه نتوانند بفهمند پرده‌ای بر دل‌هایشان می‌نهمیم و گوش‌هایشان را سنگین می‌کنیم و وقتی که در قرآن، فقط پروردگارت را یاد می‌کنی پشت می‌کنند و می‌گریزند.»

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النحل: ۱۰۴].

«به درستی که خداوند کسانی را که به نشانی‌هایش ایمان ندارند هدایتشان نمی‌دهد و عذابی دردناک برایشان در نظر گرفته شده است.»

﴿فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنْكَرَةٌ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ﴾ [النحل: ۲۲].

«دل کسانی که آخرت را باور ندارند انکارکننده است و آنان تکبر می‌ورزند.»

﴿فَاعْرِضْ عَنْ مَن تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۗ ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّٰ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَن أَهْتَدَىٰ﴾ [النجم: ۲۹-۳۰].

«از کسی که از یاد ما روی برگرداند و هدفش چیزی جز زندگی دنیا نباشد روی برگردان. علم و دانش آنها به همین منتهی می‌شود. همانا پروردگارت به حال کسی که از راه منحرف شده است و کسی که از هدایت یافته است بسیار داناست.»

آری، غلبه مادیت بر عده‌ای چنین آنها را کودن و کوتاه‌اندیش می‌کند که عقل و فکرشان درباره امور غیر مادی اصلاً کار نمی‌کند. لذا دست به انکار می‌زنند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ [یونس: ۷].

«همانا کسانی به دیدار ما علاقمند و مشتاق نیستند و راضی و مطمئن به زندگی دنیا هستند و بر آن بسنده می‌کنند و از نشانه‌های ما غفلت می‌ورزند».

﴿بَلْ أَدْرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ﴾ [النمل: ۶۶].

«بلکه فکر و اندیشه‌شان درباره آخرت از کار افتاده است بلکه در شک و تردید به سر می‌برند بلکه کور از آخرت هستند».

یک وصف دیگری که مخصوص کفار نیست، و باعث محرومیت عموم می‌گردد استدلال کردن از آیات متشابهات برای اغراض خویش می‌باشد. عده‌ای می‌خواهند با تحریف و تأویل مطلب خودخواه خود را از قرآن ثابت کنند و انسان‌های دیگر را نیز گمراه نمایند علت این امر همانا سوء نیت و زیغ قلب‌ها است.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ﴾ [آل عمران: ۷].

«او همان کسی است که کتاب را بر تو نازل کرده است. برخی از آیات آن محکم هستند و اصل کتاب همان بخش است و برخی دیگر متشابهات هستند. کسانی که کج‌اندیش هستند برای به وجود آوردن فتنه و پی بردن به منظور اصلی به دنبال متشابهات می‌روند».

## صفات‌ی که به فهم قرآن و استفاده از آن کمک می‌کنند

### ۱- طلب

نخستین شرط برای بهره‌گیری از قرآن مجید این است که در درون انسان طلب وجود داشته باشد. کسی که طلب ندارد قرآن چگونه بر او اثر می‌گذارد. سنت الهی این است که بر اساس طلب عطا می‌فرماید. طلب نزد الله خیلی ارزش دارد. عدم رضایت بر وضعیت کنونی و عدم قناعت و تلاش برای اصلاح حال و جستجوی راه بهتر نخستین قدم به سوی سعادت است، پس اول انابت است و بعد از آن تغییر حال:

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ﴾ [الرعد: ۲۷].

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ [الشوری: ۱۳].

«خدا کسی را که به سوی او رجوع داشته هدایت می‌نماید».

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

«همانا خداوند حالت هیچ قومی را تا وقتی که خودشان تغییر ندهند تغییر نمی‌دهد».

﴿فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَىٰ اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [التغابن: ۶].

«آنان نپذیرفتند و روی برگردانیدند و خدا استغنا ورزید. و همانا خدا مستغنی و شایسته ستایش است».



﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [فاطر: ۱۵].

«ای مردم، شما محتاج خدا هستید و خدا مستغنی و سزاوار حمد است.»

آنهایی که طلب دین ندارند و در ندای دین جاذبه‌ای احساس نمی‌کنند قرآن مجید درباره آنان می‌فرماید:

﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ﴾ [یونس: ۴۲].

«آیا تو می‌توانی به کران بشنوانی گرچه نفهمند؟!»

﴿أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ﴾ [یونس: ۴۳].

«آیا تو می‌توانی به نابینایان راه بنمایی ولو اینکه نبینند؟!»

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۗ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْى عَن ضَلَالَتِهِمْ ۗ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [النمل: ۸۰-۸۱].

«بدون تردید تو نمی‌توانی دعوتت را به مرده‌دلان و کران بشنوانی در حالی که به حق پشت کرده می‌گیرند. و تو نمی‌توانی کوردلان را از انحرافشان بازداشته و به راه بیاوری. تو فقط به کسانی می‌توانی بشنوانی که به نشانه‌های ما ایمان داشته باشند همین‌ها فرمانبرداران واقعی هستند.»

## ۲- استماع و اتباع

قرآن مجید در هر حال صحیفه و کتاب هدایت است نخستین وسیله برای استفاده از آن این است که انسان آن را به دقت گوش کند. بدیهی است کسی که از ابتدا حاضر به شنیدن آن نیست چگونه می‌تواند مراحل بعدی را طی نماید؟

﴿...فَبَشِّرْ عِبَادِ ۗ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ﴾

[الزمر: ۱۷-۱۸].

«به بندگان که به سخنان گوش فرامی‌دهند و آنگاه از بهترینش پیروی می‌کنند مژده بده. هدایت‌یافتگان از جانب خدا و صاحبان عقل و خرد همین‌ها هستند.»

البته باید بدانیم که تنها گوش کردن با دقت کافی نیست بلکه آنچه مربوط به عمل است باید به آن عمل کرد. علم بدون عمل نوعی سرگرمی فکری است به همین دلیل دلیل از استماع، به اتباع تأکید شده است.

## ۳- خوف خدا

اساس تعليمات قرآن بر ياد خدا و خشيت از وي استوار است. هر كسى كه دلش كاملاً از خوف خدا خالى است و گرفتن نام الله برايش جاذبه‌اى ندارد. چنين شخصى در واقع از حاسه دين محروم است. و مسلماً وقتى كسى داراى كمبود حاسه‌اى باشد محسوسات مربوط به آن را نيز نمى‌تواند درك نمايد.

آرى، قرآن مجيد براى كسانى مفيد و مؤثر است كه بر دل‌هايشان نام الله اثر بگذارد و در خاكستر وجودشان اخگرى فروزان نهفته باشد. اما كسانى كه اجاق دل‌هايشان كاملاً دچار خمود و سردى گشته است آنها گرچه قرآن را گوش مى‌كنند اما در وجودشان حرارتى به وجود نمى‌آيد:

﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعَيْدِ﴾ [ق: ٤٥].

«به وسيله قرآن به كسى كه از وعيدم مى‌ترسد تذكر بده».

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ﴾ [يس: ١١].

«تو فقط كسى را مى‌توانى بترسانى كه از قرآن پيروي كند و نادیده از خدا بترسد».

﴿سَيَذَكَّرُ مَن يَخْشَى﴾ [الأعلى: ١٠].

«به زودى كسى كه دلش مملو از خشيت الهى است نصيحت حاصل خواهد كرد».

﴿قَوْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ﴾ [الزمر: ٢٢].

«هلاكت باد بر آن دل‌هاى كه از عدم ذكر خدا سخت شده‌اند».

## ٤- ايمان به غيب

بخش بزرگ و مهمى از دين آن است كه از محدود حواس پنجگانه و قلمرو عقل خارج مى‌باشد. اين بخش مشتمل بر حقايقى است كه انسان نمى‌تواند آن را با حواس ظاهر ادراك نمايد، زيرا اين حقايقى نه قابل رؤيت و لمس مى‌باشند و نه بوييده و چشيده مى‌شوند و نه در دايره عقل قرار دارند، چرا كه كار عقل فقط اين است كه از طريق محسوسات و معلومات و تجربيات به اشياى غير محسوس و غير معلوم برسد، مسلماً آنچه در قلمرو حواس و تجربيات نباشد، و امكان قياس در آن موجود نباشد آنجا عقل نمى‌تواند كارى انجام دهد!

بايد دانست كه صفات الهى، وحى، فرشتگان، آخرت، جنت و دوزخ همه اينها امورى هستند كه بر خلاف

عقل نيستند البته ماوراء عقل هستند، در واقع همه اينها از امور غيب مى‌باشند!

اعتماد كردن به انبيا درباره آنها و باور نمودن آنچه آنان مى‌گويند لازم است و همين اعتماد كردن و باور نمودن

ايمان بالغيب نام دارد. كسانى كه بر يقين و اعتقاد خويش، پاييند ماديات و محسوسات هستند و آنچه مطابق عقل و

<sup>١</sup> - مراجعه شود به كتاب مذهب و تمدن از مؤلف، ص ١٤-٢٠.

<sup>٢</sup> - «الغيب ما غاب عن الحس والعقل غيبه كامله بحيث لا يدرك بواحد منه بطريق البدهه» (تفسير أبوالسعود).

قیاسشان نباشد آن را انکار می‌نمایند. در واقع از حقیقت دین بی‌خبر اند و ورودشان به حوزه دین خیلی مشکل است چنین افرادی نمی‌توانند از قرآن بهره‌مند گردند. و در هر قدم با مشکلات روبرو می‌شوند. اما افرادی که حواس پرت نیستند و دایره ممکنات را خیلی گسترده می‌پندارند، همه چیز را در موجودات و محسوسات منحصر نمی‌دانند، اینگونه افراد در واقع به حقیقت دین پی برده‌اند سرچشمه علم صحیح و قطعی برای آنان فقط وحی الهی است.

آنان به خبرهای پیامبران و تعلیمشان کاملاً اعتماد دارند. و برایشان در این خصوص هیچ مشکلی وجود ندارد، دین برای آنها یک واقعیت روشن و قرآن سراسر هدایت است.

﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ [البقرة: ۲-۳].

«قرآن پرهیزگرانی را که به غیب ایمان می‌آورند هدایت می‌نماید.»

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۶].

«کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که قرآن حق است و از جانب پروردگارشان فرودآمده است، و اما کافران می‌گویند: منظور خدا از ذکر این مثال چیست؟ خدا به وسیله آن بسیاری را گمراه و بسیاری را هدایت می‌کند. البته فقط نافرمان‌ها را گمراه می‌گرداند.»

اشخاصی که تحت تأثیر مادی‌گرایی و حواس‌زدگی، قرار گرفته‌اند و باز هم می‌کوشند بدون ایمان بالغیب گره از اسرار طبیعت بگشایند مثالشان مانند کسی است که بدون نردبان (زینه) می‌خواهد به بالا برود یا بدون پر می‌خواهد در آسمان پرواز نماید چنین شخصی هر قدر تلاش کند به بالا صعود نماید، سنگینی و مادیتش او را به پایین سقوط می‌دهد.

قرآن مجید خیلی جالب حالت چنین فردی را به تصویر کشیده است:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ ۗ لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۗ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۵].

«خداوند هر کسی را بخواهد هدایتش دهد سینه‌اش را باز می‌کند و هر کس را بخواهد گمراه بکند سینه‌اش را تنگ می‌گرداند گویا به دشواری می‌خواهد به بالا برود. الله تعالی اینگونه کسانی را که نمی‌خواهند ایمان بیاورند به پلیدی سوق می‌دهد.»

۵- تدبر

یکی از شرط‌های استفاده از قرآن مجید تدبر است، و خود قرآن در جاهای متعددی به تدبر فراخوانده است، و مؤمنانی را که قرآن را به تدبر می‌خوانند و همچون کور و کر رد نمی‌شوند مورد ستایش قرار داده است:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾ [الفرقان: ۷۳].

«و کسانی هستند که هنگامی که به وسیله نشانه‌ها و سخنان پروردگارش تذکر داده می‌شوند کورکورانه تن در نمی‌دهند».

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [محمد: ۲۴].

«آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا بر دل‌هایشان قفل زده شده است».

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۸۲].

«آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از طرف کسی غیر از خدا می‌بود به تفاوت‌های زیادی در آن می‌بردند».

## ۶- مجاهده

برای فهم قرآن مجید و تدبر در معانی آن مجاهده و مشقت لازم است قرآن مجید مانند کتاب‌های انسانی نیست که انسان بتواند فقط به کمک علم و تیزهوشی‌اش به هدف و منظور نویسنده‌اش پی ببرد. انسان برای اینکه به منظور کلام الهی پی ببرد به کمک و رضای الهی نیازمند است هنگامی که انسان زحمت می‌کشد و به تطهیر اخلاق و تزکیه نفس می‌پردازد، رحمت الهی به سوی او متوجه می‌شود و خداوند متعال سینه‌اش را برای کتاب خود باز می‌کند و به او فهم عنایت می‌فرماید. از آنجایی که قرآن خیلی دارای لطافت است بنابراین انسان هر قدر از تراکم مادیت به دور باشد به همان نسبت ارتباط و مناسبتش با قرآن مجید افزایش می‌یابد و جمال و زیبای قرآن بدون پرده برایش هویدا می‌گردد.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: ۶۹].

«و به کسانی که برای ما می‌کوشند راه‌های خود را نشان خواهیم داد و به درستی خداوند با نیکوکاران است».

ثانیاً: اینکه هرگاه انسان برای یک هدف خوب متحمل زحمت می‌گردد و در راه آن رنج و سختی می‌بیند و قربانی می‌دهد بالاخره به هدف می‌رسد و به حلاوت‌ها و شیرینی‌ها دست می‌یابد.

ثالثاً: اینکه اغلب قرآن مجید به عمل تعلق دارد. و صرفاً با بحث و نظر فهمیده نمی‌شود البته علم الفاظ و معانی آن بدست می‌آید اما تحقیق واقعی مفاهیم آن و مشاهده ثمراتش بدون عمل و تجربه حاصل نمی‌گردد. در واقع امتیاز بزرگ صحابه کرام رضی الله عنهم در زمینه فهم قرآن مجید در همین زمینه بود.

## ۷- ادب و تعظیم

برای استفاده از قرآن مجید جهت تغذیه روح و قلب و تزکیه نفس این واقعیت همواره باید مدنظر باشد که قرآن مجید صرفاً دفتری از معلومات یا مجموعه‌ای از ضوابط و قوانین محض نیست که فقط به خواندن و یاد گرفتن آن اکتفا می‌شود. بلکه این کتاب در واقع کلام احکم الحاکمین و سلطان السلاطین می‌باشد، کلام پروردگاری است که با صفات جلال و جمال و عطا و نوال متصف می‌باشد.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الحشر: ۲۳].

«اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان پیروزمند جبار متکبر. خداوند از آنچه شرک می‌آورند پاک است».

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَدِشًا مَّتَّصِدًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الحشر: ۲۱].

«اگر ما این قرآن را بر کوهی فرودمی‌آوردیم تو می‌دیدى که چگونه کوه از ترس خدا می‌لرزید و شکاف برمی‌داشت و فرومی‌ریخت. ما این سخنان را به مردم بیان می‌کنیم باشد که به فکر فروروند».

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ۱۳ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۱۴ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۱۵ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۱۶﴾ [عبس: ۱۳-۱۶].

«در ورقه‌هایی قابل احترام نوشته شده است؛ در جایی بلند گذاشته شده است؛ پاک است؛ به دست نویسندگان است که بزرگوار و نیکوکار هستند».

در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۷۷ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ۷۸ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۷۹﴾ [الواقعه: ۷۷-۷۹].

«همانا این، قرآن کریم است در کتابی نوشته است. فقط پاکان می‌توانند به آن دست بزنند».

نتیجه طبیعی مطالب بالا این است: آنان که با قرآن مجید مناسبت دارند، و به عظمت و بزرگی نازل‌کننده‌اش معتقد می‌باشند قرآن مجید قطعاً بر آنان تأثیر خواهد گذاشت چنانکه می‌فرماید:

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ۲].

«و وقتی که آیاتش بر آنان خوانده می‌شود ایمانشان فزونی می‌یابد و بر پروردگارش اعتماد دارند».

در جایی دیگر فرموده است:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ  
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ [الزمر: ٢٣].

«الله بهترین کلام را، کتابی را که اجزایش هم‌رنگ هستند و مضامین آن به دفعات تکرار شده‌اند فرودآورده است. از شنیدنش موی بدن کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند سیخ سیخ می‌شود و آنگاه جسم و جانشان نرم شده و به ذکر الله رغبت پیدا می‌کنند. این هدایت خداوندی است که به وسیله آن هر کس را بخواهد به راه می‌آورد و هر کس را خدا گمراه کند راهنمایی نخواهد داشت».

درباره چنین تلاوت‌کنندگانی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [البقرة: ١٢١].

«کسانی که ما به آنان کتاب دادیم کتاب را آنچنان که حقش است تلاوت می‌کنند. آنان از صمیم دل به آن باور دارند و هر کس بدان کفر ورزد از زمره زیانکاران خواهد بود».

یعنی: کلام الهی را با چنان تعظیم و بزرگداشت و عشق و علاقه‌ای می‌خوانند که معمولاً کلام یک پادشاه و یا یک دوست محبوب خوانده می‌شود. در این خصوص مطالعه دو چیز خیلی مفید است که باید به آن اهتمام ورزید.

اولاً: مطالعه احادیث صحیحی که درباره فضیلت قرآن مجید وارد شده است.<sup>۳</sup>

ثانیاً: مطالعه کتاب‌هایی که در آن شرح حال صحابه و تابعین و ائمه، مجتهدین و فقها و محدثین و علما و عارفان و اولیاء الله ذکر شده، و حکایات عشق و علاقه و ادب و تعظیم‌شان نسبت به قرآن مجید و کیفیت احساسات آنان هنگام تلاوت بیان گردیده است.

بدون شک مطالعه چنین مطالبی در وجود انسان شور و شوق ایجاد می‌نماید و دل‌ها را متأثر می‌نماید و دیدگان را بینا می‌سازد.

در صفحات آینده واقعات و حکایاتی از کتب مستند و به عنوان مشتی نمونه خرواری نقل می‌شود که در پرتو آن می‌توان به عشق و علاقه و ادب و تعظیم و اثرپذیری صحابه و تابعین و علمای ربانی در برابر قرآن پی برد.<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> - مطالعه فضایل قرآن، تألیف شیخ الحدیث مولانا محمد زکریا رحمته، در این خصوص خیلی مفید است.

<sup>۴</sup> - در کتاب‌های زیر مطالب و حکایات بسیار جالب و مؤثری وجود دارد.

(۱) کتاب قیام اللیل، محمد بن نصر المروزی.

(۲) صفة الصفوة، ابن الجوزی.

(۳) إحياء علوم الدین، امام غزالی.

